

کارپایه مفهومی و مفهومسازی
سرمایه اجتماعی
(با تأکید بر شرایط ایران)

پرویز پیران^{*}، میرطاهر موسوی^{**}، مليحه شیانی^{***}

طرح مسئله: مقاله حاضر با نگاهی به مفهوم و سازه (Construct) به عنوان سنگ بنای هر بحث و مسئله‌ای علمی و به جایگاه شناخن و شناخنسازی به عنوان ابزار فرود آمدن از دنیای انتزاع و عرصه نظر به حیطه‌های پرشر و شور زندگی، بر این نکته تأکید روا می‌دارد که عالم با جوهر یا ذات مباحث و مسائل که موضوع هستی‌شناسی است سروکار ندارد و به پادیده‌ها بدان سان که ادراک و مشاهده می‌شوند پرداخته و در عرصه شناخت‌شناسی به بحث می‌پردازد.

روش: سرمایه اجتماعی (Social Capital) با استعانت از روش کتابخانه‌ای به عنوان مفهومی که چون بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی سهل و ممتنع است، مورد چند و چون قرار گرفته، ادعا می‌شود که این مفهوم سخت پیچیده و دارای ابعادی متنوع است.

یافته‌ها و نتایج: مقاله با ارائه تعاریفی که از سوی متفکران مختلف در محدوده‌ای نو دساله مطرح شده‌اند به کلیدوازه‌های پایه‌ایی به کار رفته در تعاریف اشاره می‌نماید، تعاریفی که کارپایه یا چارچوب سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد. به هنگام معرفی کارپایه مفهومی به کارکردهای گوناگون آن نیز اشاره شده است. بالاخره آن که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به نحوی گذرا مورد بحث قرار گرفته، کوشش‌هایی به عمل آمده در جهت مفهومسازی (Conceptualization) معرفی گردیده‌اند.

کلیدوازه‌ها: اجتماع محلی، اعتماد، سازه، سرمایه اجتماعی، مشارکت و عضویت
تاریخ دریافت: ۱۵/۱۱/۲۵
تاریخ پذیرش: ۸۵/۸/۲۰

* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، عضو آکادمی سوئیس برای توسعه <Pooria@mavara.com>

** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

سخن بر سر مفهوم سرمایه اجتماعی، کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی آن است. در بخش پایانی بحث حاضر و به عنوان نتیجه‌گیری از بحث نیز به پیش‌شرط‌های چندی که به کاربرد سرمایه اجتماعی در ایران مربوط‌اند اشاره‌ای گذرا خواهد شد تا بر مقید بودن زمانی و مکانی این مفهوم، تاکید گردد.

سرمایه اجتماعی، زاده کنش و واکنش‌های افراد می‌باشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر است و بر چشم‌داشت‌هایی استوار است که از آشنایی جان می‌گیرد و در اکثر موقع با گذر زمان می‌بالد و گسترشده می‌شود. استعاره مکرر به کار رفته برای معرفی سرمایه اجتماعی، یعنی «آن‌چه که می‌دانید مهم نیست، آنکه می‌شناسید مهم است» دقیقاً بر آشنایی و نتایج حاصل از آن دلالت دارد. در عین حال فرض بر آن است که آشنایی در اکثر موقع فایده‌مند است و این فایده‌مندی نوعی منع حاوی ارزش به شمار می‌رود که کاربرد مفهوم «سرمایه» در سرمایه اجتماعی را قابل دفاع می‌سازد. منع ارزشمند یادشده نیز روزی به کار می‌آید و قابل استفاده می‌شود اما استفاده از آن به چشم‌داشت‌های اجتماعی دیگری جان می‌بخشد که حاوی بازپرداخت می‌باشد. از این روی مفهوم مبادله نیز به میان می‌آید که باز هم کاربرد «سرمایه» را بیشتر توجیه‌شدنی می‌سازد.

از آنجا که کنش و واکنش‌های افراد در درون قالب‌هایی جمعی رخ می‌دهد که اجتماعاً بنا شده‌اند، مواردی چون خانواده، گروه، سازمان، نهاد و در کلی‌ترین شکل آن ساختار اجتماعی چنین قالب‌هایی نیز حاوی سرمایه اجتماعی می‌گردند. از سوی دیگر روابط یا کنش‌های متقابل اجتماعی تنها در قالب روابط دو انسان با هم که ساده‌ترین نوع کنش و واکنش است، خلاصه نمی‌شود و در آن محدوده باقی نمی‌ماند و در چشم‌به‌هم‌زنی تکثیر می‌شود و مجموعه‌ای درهم تنیده و متکثراً از کنش و واکنش‌ها یا روابط متقابل اجتماعی را پدید می‌آورد، از این روی پای شبکه اجتماعی نیز به میان می‌آید. در نکات پیش‌گفته برخی از مهم‌ترین مفاهیمی که به هنگام سخن گفتن از سرمایه اجتماعی اهمیتی وافر دارند و به کار می‌آیند، مطرح شده‌اند. مثلاً آشنایی یعنی همان واقعیت اجتماعی‌ای که

پیش شرط زاده شدن سرمایه اجتماعی است نیز اشکال فوق العاده متنوعی به خود می‌گیرد که دارای شدت و گستردگی گوناگونی است و با توجه به بعد و فاصله، معانی متنوعی پیدا می‌کند و بحث انتخاب را مطرح می‌سازد. همچنین نوع آشنایی انواع چشم‌داشت‌هایی اجتماعی را جان می‌بخشد، چشم‌داشت‌هایی که گاه با هم در تضاد قرار می‌گیرند.

مجموعه بالا که به نحوی گذرا به مفاهیم متعددی اشاره دارد، شناخت کارپایه یا چارچوب مفهومی و اشکال مفهومسازی سرمایه اجتماعی را فوق العاده مهم می‌سازد. این اهمیت با درک پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی از یکسو و توجه فوق العاده چشم‌گیر به این مفهوم در بیست سال گذشته و همزمان شدن کاربرد آن در محافل علمی و دانشگاهی و همچنین در فرهنگ عمومی، دو چندان گردیده است.

ناگفته نمی‌توان گذاشت و گذشت که حجم عظیم منابعی که در مدتی نسبتاً کوتاه در مورد سرمایه اجتماعی فراهم آمده، به وسیله اینترنت در اختیار عموم قرار گرفته، گرچه از جهاتی سخت مبارک است، لیکن در عین حال کار تشخیص سره از ناسره را سخت دشوار می‌سازد. متاسفانه در مجموعه نسبتاً وسیعی که منابع و متون سرمایه اجتماعی را پدید آورند (منابع و متون معادل درست واژه لاتین "Literature" است که به غلطی فاحش آن هم گاه به اصرار ادبیات خوانده می‌شود و در مواردی جنبه‌ای سخت مضحك به خود می‌گیرد و سخن از ادبیات شهرسازی، معماری، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتماً در آینده ادبیات فیزیک و شیمی و پزشکی نیز به میان می‌آید)، در کنار منابع ارزنده و آموزنده، مطالب کاملاً نادرست و حاوی بدآموزی‌ها و نادرست‌آموزی‌ها نیز فراوان‌اند. این واقعیت، مرور کارپایه مفهومی و معرفی تلاش‌های انجام شده در جهت مفهومی کردن یا مفهومسازی سرمایه اجتماعی را ضروری می‌سازد.

۱) کارپایه مفهومی، ضرورت و کارکردهای آن

هر علمی و به تبع آن هر موضوع علمی از مجموعه‌ای به هم پیوسته تشکیل می‌شود که به ترتیب عبارتند از کارپایه یا چارچوب مفهومی، کارپایه نظری، کارپایه روش‌شناختی، تطور

تاریخی و مباحث، مسائل و مشکلات آن علم یا موضوع علمی. بدینهی است که هر پژوهشی بدون توجه به حیطه، عرصه یا وادی تخصصی و علمی‌ای که پژوهش در آن انجام می‌شود، از طریق معرفی و بهم پیوستن مفاهیم چندی پدید می‌آید. منطقاً این پرسش مطرح می‌شود که «مفهوم» یا مفرد آن، «مفهوم» به چه معناست؟ مفهوم یا "Concept" معنای ویژه‌ای است که یا به واژه‌های موجود در زبانی خاص داده می‌شود و یا برای کاربردی خاص، واژه‌ای جدید پدید می‌آید.

علوم مختلف که در طی زمان به تدریج پدید می‌آیند نیز چیزی جز زبانی خاص نیستند که در جهت القاء معانی ویژه‌ای به کار می‌روند. کسانی که با هر علمی آشنا هستند، زبان آن علم را می‌شناسند و به همین دلیل معانی آن را درک می‌کنند. زبان علمی نیز از مجموعه‌ای واژه پدید آمده است که آن‌ها را «مفهوم» می‌نامند.

باید توجه داشت که مفهوم، محصول کار فکری است. مفاهیم از واژه‌ها و علایم یا نشانه‌ها و نمادها ساخته می‌شود. واژه‌ها و نشانه‌هایی که برای ساختن مفهوم به کار می‌روند، برای افراد فعل در رشته‌ای خاص که مفهوم در آن رشته ساخته می‌شود، آشنا نیandند. مفاهیم، معرف اشیاء، کیفیات، چیزها و ویژگی‌هایند. بنابراین «مفهوم» واژه‌ای است که ویژگی، کیفیت یا رابطه خاصی را توصیف می‌کند. به بیان دیگر، مفهوم تصویری ذهنی است که معرف پدیده‌هاست. این تصویری ذهنی می‌کوشد تا دنیای ذهن و فکر را به دنیای تجربی، عینی و مشهود پیوند زند و با معنا سازد. سازه‌ها همان‌گونه که از نام آن‌ها پیداست ساختنی‌اند و لذا در عالم واقع بدان‌سان که ساخته می‌شوند وجود خارجی ندارند. به همین دلیل سازه‌ها به مفهوم نمونه نظری^۱ نزدیک‌ترند. به طور خلاصه، «سازه» مفهومی ساخته شده برای یاری رساندن به تجزیه و تحلیل علمی و تعمیم‌دهی می‌باشد که به نحوی غیرمستقیم از پدیده‌های مشهود استنتاج می‌شود. پس مشخص می‌گردد که هم مفهوم و هم سازه ابزار فرود آمدن از دنیای انتزاعی و جهان جواهر به دنیای علم و دنیای تجربی برای خلق معنا، آن هم از طریق بررسی‌های علمی محسوب می‌شوند.

1. Ideal Type

بحث از مفاهیم مختلف مرتبط با مفهوم کلیدی مطالعه‌ای خاص یا بررسی و پژوهشی مشخص و نحوه کنار هم قرار گرفتن و خلق معنا توسط آن مفاهیم، مفهومسازی خوانده می‌شود. جالب آن‌که مفهومسازی یا مفهومی کردن در زبان انگلیسی معنای بحث آغازین را نیز القاء می‌نماید و دست به کاری زدن و دست به کار شدن را می‌رساند که با شروع رساله‌های علمی از طریق معرفی کارپایه یا چارچوب مفهومی ساخت با معنا می‌گردد. همچنین باید توجه داشت که چارچوب یا کارپایه نظری که معمولاً در هر تحقیقی یا رساله‌ای پس از معرفی و بررسی کارپایه مفهومی ارائه خواهد شد نیز چیزی جز پیوند مفاهیم مرتبط یا موضوع به یکدیگر نیست. اساساً نظریه علمی از پیوند مفاهیم برای ارائه مدلی تشریح‌کننده از واقعیتی خاص پدید می‌آید.

سرمایه اجتماعی چنان‌که از این عنوان برمی‌آید، از پیوند دو مفهوم سرمایه و اجتماعی ساخته شده است و از جمله مفاهیم جدید و سخت پیچیده جامعه‌شناسی است که به سرعت به رشته‌های علمی گوناگون راه یافته و همه‌گیر شده است. به همین دلیل معرفی کارپایه مفهومی این موضوع اهمیتی دو چندان می‌یابد. کارپایه مفهومی وظایف متعددی را بر عهده دارد.

کارپایه مفهومی نه تنها به تعاریف مفهوم کلیدی هر بحث مطروحه و دگرگونی‌هایی که این مفهوم از سر گذرانده است، اشاره خواهد کرد، بلکه مجموعه مفاهیمی که نگارنده بر آن انبان مفهومی نام نهاده است و به مفهوم مادر یا کلیدی بحث مربوطاند را نیز معرفی می‌دارد. چارچوب مفهومی، گستره^۱ تعریف‌کننده، معرفی نماینده، تشریح‌سازنده و بالاخره تبیین‌کننده مفاهیم را مورد پرسش قرار می‌دهد، آن هم بدین امید که زمینه طرح کارپایه نظری آن پژوهش فراهم گردد و نظریه آغازین و هدایت‌کننده تحقیق مطرح شود. پس آن‌گاه بر پایه کارپایه نظری پژوهش می‌توان به مدد سازه‌ها از دنیای نظری فرود آمد و در دنیای پرش و شور و زنده زندگی گام نهاد و عملیات سنجش عینی را آغاز نمود.

بر این اساس بیهوده نیست که کارپایه مفهومی و کارپایه نظری هر موضوع، مسئله و

1. Scope

بحثی را آغازگر پژوهش‌های کمی و کیفی و میدانی در باب آن موضوع تلقی داشته‌اند و بر اهمیت بدون جایگزین آن‌ها تأکیدی به سزا روا می‌دارند.

چارچوب مفهومی در کنار کارکرد بی‌بدیل بالا، ابزار نظم بخشی به بحث و از طریق آن نظم بخشی به تفکر نیز به شمار می‌رود. اتفاقاً سرمایه اجتماعی یکی از برجسته‌ترین مثال‌ها در این زمینه است. زیرا محدوده کاربرد سرمایه اجتماعی آن‌چنان وسیع گردیده است که ناگزیر با تناقضات گوناگونی همراه شده و ابعاد و جوانب متعددی یافته است. بدیهی است که هیچ پژوهشی نمی‌تواند به یکباره تمامی ابعاد یاد شده را دربرگیرد و چنان‌چه ادعایی در این زمینه مطرح شود گویای ناآگاهی مطرح‌کننده در باب سرمایه اجتماعی است. برای مثال سرمایه اجتماعی ابزار سنجش خطمنشی‌های اجتماعی^۱، شکاف حکومت و مردم، روابط گروهی، سازمانی، نهادی، شبکه‌ای، سطوح و ابعاد همکاری، مشارکت فعال، پویایی گروهی^۲ و بدون اغراق، ده‌ها موضوع دیگر است (نگاه کنید به Franke, 2005). بدیهی است در چنین شرایطی امور مهمی چون گزینش، دسته‌بندی، تشخیص تقدم و تأخیر و رابطه بین مقاهم گوناگون که مرحله‌ای مهم در هر پژوهش روشنند است، به غایت حیاتی می‌گردد. کارپایه مفهومی چنین اموری را بر عهده می‌گیرد و انتظار می‌رود که به فرجام رساند. سرمایه اجتماعی در عین حال دارای مصداق‌های متنوعی است که باز هم امر گزینش را الزامی می‌سازد و چارچوب مفهومی بدین کار باید دست گشاید و از عهده آن برآید. چنین ادعایی درباره کارکردهای سرمایه اجتماعی نیز صادق است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی در شرایطی متغیری مستقل تلقی شده، مجموعه‌ای نسبتاً گسترده از متغیرهای دیگر که وابسته تلقی می‌شوند را جان می‌بخشد، لیکن در عین حال، سرمایه اجتماعی در سطح دیگری متغیری واسطه‌ای یا میان‌گیر می‌شود و در سطح سومی به متغیری وابسته که محصول کنش و واکنش‌های متغیرهای دیگری است، بدل می‌گردد و یادآور پاره‌ای از مصراع معروف است که «هر لحظه به رنگی بُت عیار درآید». بدیهی است

-
1. Social Policies
 2. Group Dynamic

که چنین ویژگی، سبب می‌گردد که هر محققی، چه چون نگارنده تازه از گرد راه رسیده و چه، دود چراغ خورده و استخوان شکسته، از ظن خود با سرمایه اجتماعی یار شود و طبعاً به اسرار آن نیز دست نیابد. اینجاست که کارپایه مفهومی به یاری می‌آید و می‌کوشد تا از آشتفتگی مجسم شده در بالا، نظمی با معنا و روشنمند فراچنگ آورد و عرضه نماید.

ناگفته نمی‌توان گذاشت و گذشت که موضوع مهم دیگر، متن یا مکانی است که سرمایه اجتماعی در آن مطرح شده یا می‌شود و مشخص است که هر متن را ویژگی‌هایی است متنوع، که ضرورتاً با متن دیگری یکسان نیست. بالاخره باید از معضلاتی یاد کرد که از مفهوم سرمایه اجتماعی بر می‌خizد که وظیفه چارچوب مفهومی را سنگین‌تر می‌سازد. نخست آن که مفهوم سرمایه اجتماعی مانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، سهل و ممتنع است، لیکن سرمایه اجتماعی سرآمد آنان است. زیرا اینجا و آنجا به معانی مختلفی به کار می‌رود و در نتیجه به اختشاش تعریف جان می‌بخشد. دلیل این امر به قول نانکیول (Nankivell, 2002:VIII) آن است «که مفهوم سرمایه اجتماعی در حال پدیدآمدنی دائمی است که هنوز به فرجام خود نرسیده است... و برخی جنبه‌های آن می‌تواند آثاری منفی داشته باشد. مثلاً انسجام قدرتمند درون گروهی می‌تواند به عدم تحمل و فقدان مدارا نسبت به دیگران بیانجامد و بیگانه یا غیرستیزی را جان بخشد و بگسترد». در حال شکل‌گیری بودن و تنافض‌های درونی مفهوم سرمایه اجتماعی به ویژه تنافضاتی که بین مصداق‌های سرمایه اجتماعی وجود دارد، نشان می‌دهد که هنوز در درک سرمایه اجتماعی و پاسخ به این پرسش که بالاخره چه چیزهایی سرمایه اجتماعی را می‌سازد، مشکلاتی وجود دارد.

با توضیحات گذرای بالا جایگاه کارپایه مفهومی سرمایه اجتماعی مشخص می‌گردد و اهمیت آن معلوم می‌شود. تا بدانجا که می‌توان ادعا کرد که گرچه کارپایه مفهومی در تمامی پژوهش‌های روشنمند و بررسی‌های علمی، حتی بررسی‌های توصیفی و کتابخانه‌ای یا آن‌چه تجزیه و تحلیل اطلاعات یا داده‌های دومین خوانده می‌شود، ضرورتی بی‌چون و چرا دارد، در مورد سرمایه اجتماعی - به دلایلی که آمد - این ضرورت و اهمیت، دو

چندان می‌گردد. چنان‌چه استدلال ارائه شده در مورد اهمیت و ضرورت کارپایه مفهومی مورد قبول افتاد، باید تأکید کرد که معمولاً کارپایه یا چارچوب مفهومی با ارائه یکی از جامع‌ترین تعاریف موضوع اصلی، آغاز می‌شود. به دیگر سخن، ارائه تعریفی که برخی از وجوده پدیده موردنظر را دربرمی‌گیرد، نقطه آغازین برای معرفی چارچوب مفهومی است. برای شروع، تعریف بانک جهانی انتخاب شده است که در سه دهه اخیر سخت به مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته است. باید به هوش بود که تعاریف سازمان‌های جهانی آن هم به ویژه با مشخصات و اهدافی که بانک جهانی دارد با محدودیت‌های خاصی روپرست. زیرا سازمان‌های جهانی از منظری عمل‌گرايانه به مفاهيم پرداخته‌اند و به ناگزیر برخی جنبه‌هایی را آن هم به عمد، عمدۀ کرده و برخی وجوده دیگر را کمتر مورد عنایت قرار داده‌اند. اما انتخاب تعریف بانک جهانی و یا دیگر سازمان‌های جهانی با مزیتی نیز همراه است. این مزیت باز هم از هدف آن‌ها نشأت می‌گیرد. از آنجا که سازمان‌های جهانی، از جمله بانک جهانی در متن‌های متعدد و متفاوتی که از قضا بیشتر جهان سومی‌اند کار می‌کنند، مجبورند تعاریف خود را در سطوح مفهومی عام‌تری ارائه دهند تا میزان شمول آن‌ها افزایش یابد. بانک جهانی در سال ۱۹۹۸ چنین آورده است:

«سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای مفروض دربرگیرنده نهادها، روابط، نظرگاه‌ها و ارزش‌هایی است که بر کنش و واکنش‌های بین مردم حاکم‌اند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارند. لیکن سرمایه اجتماعی جمع ساده نهادهای نیست که جامعه را دربرمی‌گیرند بلکه همچنین ملاطی به شمار است که نهادهای یاد شده را به هم پیوند می‌زنند. سرمایه اجتماعی در عین حال دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجرهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی است که در روابط شخصی افراد، در اعتماد آنان به یکدیگر و در حس مشترک مسئولیت‌های مدنی منعکس شده است. امری که جامعه را چیزی بیشتر و فراتر از جمع افراد می‌سازد».

خواندن تعریف ارائه شده برای هر دانش‌آموز دبستان جامعه‌شناسی قبل از هر چیز یادآور نگاه امیل دورکیم و شاگرد او موریس هالویاکس است؛ آن‌جا که معلم و شاگرد، کوشیده‌اند تا

تأکید نمایند جامعه جمع ساده مردمان یعنی آدمیانی نیست که آن را پدید آورده‌اند. گرچه افراد در کنار هم و از طریق با هم بودن جامعه را می‌سازند، لیکن پس از پدید آمدن، جامعه، خود چیزی فراتر از افراد می‌گردد و بر آنان به ویژه آنانی که نسل پس از نسل خواهند آمد، حکم خواهد راند و نقش و نشان خود را بر فردیت آنان، بر شخصیت‌شان و بر روابط بین ایشان، حکم خواهد کرد. زیرا آدمیان برای آن که بتوانند با هم بزنید، با قانون جنگل وداع کنند و گرگ یکدیگر نباشند به قواعد، قرار و مدارها، به ارزش‌ها و هنجارها و در جوامعی خاص به قوانینی بشر ساخت نیاز دارند که پس از ساخته شدن بر ایشان تأثیری شکرف خواهد گذاشت و یا گاه به تمام، بر ایشان حاکم خواهد شد. این داد و ستد شکفت، بن مایه زندگی اجتماعی است. امری که بر تمامی متکران حال چه کم و چه بیش، آشکار گردیده است. بیهوده نیست که مارکس هستی آدمی را محتاج بازتولیدی در چارچوب ساختار جامعه می‌داند که بر شیوه تولید استوار است و زیگموند فروید، پریشان حالی آدمی را محصول تضاد ابدی غریزه و تمدن انسان ساخت معرفی می‌کند؛ تمدنی که اندک اندک در جامعه شکل می‌گیرد، پر و بال می‌گسترد، اجزایی چه به ضرورت و چه به تصادف پیدا می‌کند تا بدانجا که وجود او مستقل از آدمیان ادامه می‌یابد و با کسر شدن شماری از آدمیان نقصان نمی‌گیرد و کم و یا زیاد نمی‌شود.

به هر تقدیر، وابینی و تجزیه تعریف ارائه شده، اجزای سرمایه اجتماعی را بر ملا می‌کند. در عین حال تعریف یاد شده نیز محل مناقشه است؛ زیرا از زیر و بالا کردن آن، نزاع برخیزد و بحث و جدلی گرم فراچنگ آید. از قضای دلکش روزگار ارتقاء فهم آدمی در باب سرمایه اجتماعی و جامعه، به طور کلی، محصول این قیل و قال و نزاع و جدل است. تعریف بانک جهانی مدعی است که سرمایه اجتماعی دربرگیرنده نهادهای است. یعنی خانواده، نهادهای رسمی و غیررسمی، نهاد اقتصاد، نهاد سیاست، نهاد فرهنگ. لیکن این‌ها ظرف‌اند. اما مظروف، کنش و واکنش‌های بین آدمیان است. سرمایه اجتماعی بدون چنین کنش و واکنش‌هایی بی‌معناست. کنش و واکنش‌ها نیز بر پایه قواعدی، بکن‌نکن‌هایی، یا متغیرهایی، ممکن می‌شود که سازنده مرزها به شمار می‌روند، یعنی

همان مفهوم ارزش‌ها. از سوی دیگر آدمیان تنها بر پایه سازوکارهای غریزی خویش، به کنش و واکنش نمی‌پردازنند. بلکه آدمی به عاقل بودن متهم است و لذا به زی غریزی قانع نیست و دائمًا پای از گلیم خویش فراتر می‌نهد و زیاده‌تر می‌طلبید. چنین خواستی از آن روی وجود دارد که آدمی با خویش محاسبه می‌نماید و دائمًا چرتکه می‌اندازد تا فربه‌تر و بهتر به چنگ آورد. از این کار نیز دیدگاه‌ها، نظرگاه‌ها و عقاید، همی زاید. تعریف پیشتر می‌رود و از ملاطی یاد می‌کند که آدمیان را به هم پیوند می‌دهد.

این همه گفته آمد لیکن از آن گیجی بیشتر زاده شد، این همان نکته‌ای است که در آغاز مورد تأکید قرار گرفت. زیرا تعاریفی چون تعریف بانک جهانی از سرمایه اجتماعی تا زمانی که به قول عبدالرحمن جامی به وجه کلی بیان می‌شود (نگاه کنید به مایل هروی، ۱۳۷۷). چندان محل نزاع نیستند، لیکن به مجردی که از وجه کلی به مصادق‌ها فرود می‌آیند، نزاع درمی‌گیرد و چند و چون، قیل و قال و حرف و حدیث به میان می‌آید. حیطه‌های نزاع که محورهای مفهومی کردن سرمایه اجتماعی نیز به حساب می‌آیند به قرار زیر است:

- سرمایه اجتماعی معرف چیست و از چه منابعی پدید می‌آید؟ یعنی وجود کلی آن، در دنیای زندگی و به زبان کوی و بازار چه چیزهایی را دربرمی‌گیرد؟
- سرمایه اجتماعی چگونه عمل می‌کند؟ یعنی گز یا متر یا سنجه آثار سرمایه اجتماعی یعنی همان چیزهایی که با صفت تفصیلی و عالی بیان می‌شوند، بیشتر، وسیع‌تر، متعدد‌تر، پیچیده‌تر، پایدار‌تر، عمیق‌تر، چه گز و متر و سنجه‌ای است؟ با چه می‌توان آن را کشید یا اندازه گرفت؟
- منابع گوناگون سرمایه اجتماعی چگونه در هم می‌آمیزند و کلی واحد پدید می‌آورند و چگونه می‌توان حداقل برای مطالعه آن را با هم ترکیب کرد؟ چنین پرسش‌هایی که ظاهراً سر باز ایستادن نیز ندارد، نگاهی به سیر تحولات مفهومی سرمایه اجتماعی را الزامی می‌سازد که در قالب بحث مفهومی شدن درپی می‌آید.
- در باب روش‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی نیز سردرگمی عجیبی وجود دارد که گاه مساله از تحقیقی به تحقیق دیگر آن هم در متن اجتماعی یکسانی متفاوت می‌شود.

سرمایه اجتماعی همچنین دارای دو بعد سازنده^۱ و زیانبار^۲ می‌باشد. دو بعد یادشده ضمن آن‌که بر پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی افروده است، بدان، در حالات و شرایطی ماهیتی متناقض بخشیده است که چنان‌چه مورد توجه قرار نگیرد به نتیجه‌گیری‌های نادرست و تعمیم‌های ناروا منجر می‌شود. این دو بعد گاه متضاد کاملاً مکان و زمان محور بودن یا به طور خلاصه، مقید و متکی بودن سرمایه اجتماعی به متن تاریخی و اکتوئی یا زمان حاضر را نشان می‌دهد. حال به نظر می‌رسد که پس از طرح کلیات مربوط به سیر تطور مفهومی سرمایه اجتماعی، بهتر است با ارائه تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی به تدریج اینان مفاهیم مطروحه در بحث از سرمایه اجتماعی معرفی شوند تا راه جهت تعریف مفاهیم و ربط دادن آن‌ها به یکدیگر هموار گردد. جدول شماره ۱ به این مهم اختصاص دارد.

۲) تعاریف سرمایه اجتماعی

جدول ۱: تعاریف سرمایه اجتماعی، اندیشمند مطرح‌کننده، عناصر محوری هر تعریف

معیار تعریف (دروزی، بیرونی)	ارائه‌کننده تعریف	تعریف سرمایه اجتماعی
دروزی	کارل مارکس (Karl Marx) سرمایه، جلد اول ۱۹۸۶، ۱۰۵:۱۹۸۶، چاپ نخست ۱۸۸۵. (توضیح: نحوه به کارگیری سرمایه اجتماعی توسط مارکس با بخشنده که امروز از سرمایه اجتماعی جریان دارد کاملاً متفاوت است لیکن به عنوان یکی از اولین کسانی که این مفهوم را مورد استفاده قرار داده است مطرح گردید.	"ارزش کل تولید سالیانه کار؛ به بیان دیگر عبارت است از ارزش تولید کل سرمایه اجتماعی" "چنان‌چه سرمایه اجتماعی، اقلایی در ارزش را تجربه کند، محتمل است که سرمایه فردی سرمایه‌دار، در مقابل انقلاب یاد شده سر فرود آورده، تسلیم آن شود و سقوط کند، زیرا سرمایه پیش‌گفته قادر نیست خود را با شرایط چنان جنبش و تکانی منطبق سازد."

1. Productive
2. Perverse

ادامه جدول ۱

<p>من در استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به آنچه که در منابع معمولاً از سرمایه مراد می شود نظر ندارم و آن را صرفاً تمثیلی یا استعاری به کار می برم. منظورم ملک و دارایی شخصی یا پول نقد نیست، بلکه منظور من آن چیزی است که این اشیاء و مادیات ملموس را در زندگی روزمره اکثریت مردم با معنا و ارزشمند می سازد؛ یعنی کار خیر، دوستی، دلسوزی مقابل و رابطه اجتماعی گروهی از افراد و خانواده‌ها که پدیدآورنده واحدی اجتماعی یا اجتماعی روستایی می باشد که مرکزیت منطقی آن مدرسه به شمار می رود. در ساختن اجتماعی محلی به سان سازمان کسب و کار و یا توسعه آن، قبل از آن که فعالیتی سازنده انجام گیرد، ابیشت سرمایه لازم است.</p>	<p>هانی فن (Hani fan)، ۱۹۱۶</p>	<p>دروونی</p>
<p>شبکه‌های شهری، سرمایه اجتماعی بدون جایگزین شهر است. هرگاه سرمایه‌ای از کف برود حال به هر دلیلی، در آمد حاصل از وجود آن سرمایه نیز محو می‌گردد و هرگز بازگشته ندارد مگر آن‌که سرمایه جدیدی به تانی و یا تصادفی دوباره ابیشته شود.</p>	<p>جین جاکوب (J-Jacobs)، ۱۹۶۱</p>	<p>دروونی</p>
<p>"سرمایه اجتماعی منابعی است که در لطف و محبت دوستان و آشنايان به يكديگر منعکس می شود. اين لطف و محبت می تواند به شكل کمک و ياري برای فقرزادی ارائه گردد."</p>	<p>هانرز (Hannerz)، ۱۹۶۹</p>	<p>بيرونی</p>
<p>لوری با اشاره به تضاد شایسته‌سالاری یا مشاهدات اش از جامعه سرمایه‌دار، نتیجه می‌گیرد که سرمایه اجتماعی کمک افراد به يكديگر به شكل منابعی است که در اختیار يكديگر قرار می‌دهند و لذا زمینه تعیض نسبت به دیگران را فراهم می‌آورند. جمله معروف او چنین است که "در مسیر، ترقی هیچ کس به تنهایی سفر نمی‌کند".</p>	<p>لوری (Loury)، ۱۹۷۷</p>	<p>بيرونی</p>
<p>"بدیهی است که برای کارآبی هر نظام اقتصادی بسیار مهم است که افراد از قواعد و قوانین حتی آن قواعد و قوانینی که</p>	<p>شلیخت (Schiht)، ۱۹۸۴</p>	<p>بيرونی</p>

ادامه جدول ۱

<p>چنان اجراء نمی‌شود نیز اطاعت کنند زیرا اطاعت مردم از قوانین هزینه‌ها را کنترل می‌کند و تمایل آنان به این امر که حتی نزد خودشان شهرورانی قانون‌گرا به حساب آین، را افزایش می‌دهد. چنین امری ثروت اقتصادی مهمی است که می‌تواند نوعی سرمایه اجتماعی به حساب آید». او با اشاره به نظرات ون وایزسacker (Van Weizsacker) از سرمایه سازمانی نیز یاد کرده، مفهوم "سرمایه اخلاقی را نیز به کار برده است.</p>		
<p>"در مطالعه ما سرمایه اجتماعی مقوله‌ای است که در طبقات بالا شکل می‌گیرد و بر زندگی شغلی مدیران شرکت‌های سهامی بهنگامی که ویژگی‌های تحصیلی و شایستگی‌های یکسانی دارند، اثری مثبت می‌گذارد".</p>	<p>اوسمیم و کارابل & Useem ، Karabel & Useem ۱۹۸۶</p>	<p>بیرونی</p>
<p>"مجموع منابع بالفعل و بالقوه که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شده ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته شده بودن، متصل و مربوط است".</p>	<p>بوردیو، Bourdieu، ۱۹۸۶ : ۲۴۸</p>	<p>بیرونی</p>
<p>"سرمایه اجتماعی از تعهدات و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی (پیوندها و روابط اجتماعی) تشکیل می‌شود که تحت شرایطی خاص قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی می‌باشد و ممکن است در قالب عنوان، منزلت، نسب و حسب اجتماعی [مانند نجیب‌زاده بودن و اشراف بودن] نهادینه گردد".</p>	<p>بوردیو، Bourdieu، ۱۹۸۶ : ۲۴۳</p>	<p>بیرونی/دروني</p>
<p>"سرمایه اجتماعی منبعی است که کش‌گر از ساختارهای اجتماعی خاص، آن را به کف می‌آورد و پس از به کف آوردن، آن را برای رسیدن به علاوه و منافع خود به کار می‌برد. این منبع از طریق دگرگونی در روابط متقابل کش‌گران به دست می‌آید"</p>	<p>بیکر (Baker) ، Baker (1990: ۶۱۹)</p>	<p>بیرونی</p>
<p>"سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش تعریف می‌شود و مقوله‌ای واحد نیست، بلکه متشکل از مقوله‌های متعددی است که دو ویژگی مشترک دارند: تمامی شان از جنبه‌ای از ساختار</p>	<p>کوله من (Coleman) ، Coleman (1990: ۳۰۲)</p>	<p>بیرونی</p>

اجتماعی تشکیل شده‌اند و همچنین تمامی آن‌ها برخی از کنش‌های افراد درون ساختار اجتماعی را تسهیل می‌نمایند.”		
”سرمایه اجتماعی بر تعداد افرادی اشاره دارد که از آنان انتظار حمایت کردن وجود دارد و همچنین دربرگیرندهً منابعی است که آن افراد در اختیار دارند.”	باکس من، د گرایی و فلپ؛ Boxman; ۵۳:۱۹۹۱ De Graai & Flap	بیرونی
مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای که نصب فرد یا گروه آن‌هم به علت داشتن شبکه‌ای پایدار از روابط اجتماعی کم و بیش نهادینه شده، می‌گردد و نشات گرفته از آشنایی دو سویه، معروف بودن و پذیرفته شدن است.”	بوردیو و واکوانست، Bourdieu & Bourdieu & Bourdieu; ۱۹:۱۹۹۲ Wacquant	بیرونی / درونی
”سرمایه اجتماعی مشکل از دوستان، همکاران و تماس‌ها و ارتباطات عمومی تری است که از طریق آنان هر فرد فرصت‌هایی برای استفاده از سرمایه مالی و انسانی خود را به کف می‌آورد.”	بورت، (Burt)، ۹:۱۹۹۲	بیرونی
”سرمایه اجتماعی گویای روابط اجتماعی متقابلی است که به طور طبیعی بین افراد شکل می‌گیرد و به کف آوردن مهارت‌ها و ویژگی‌هایی که در بازارگاه صاحب ارزش‌اند را ترویج و یا پاری می‌رساند... (لذا سرمایه اجتماعی) دارایی است که گاه چون میراث مالی برای حفظ نابرابری در جامعه، واحد اهمیت محض می‌شوند.”	لوری (Loury) ۱۰۰:۱۹۹۲	دروني / بیرونی
”سرمایه اجتماعی مجموعه عناصری از ساختار اجتماعی است که بر روابط بین مردم اثر می‌گذارند و داده‌ها و مدارک مرتبط با تولید و یا کارکردي منفعت بنیادند.”	شیف (Schiff) ۱۶۰:۱۹۹۲	دروني / بیرونی
”سرمایه اجتماعی، چشمداشت‌های محورکش در درون مجموعه‌ای اجتماعی است که بر اهداف اقتصادی و تضادهایی که از افراد آن جمع در جهت رسیدن به اهدافی سرمی‌زند، اثر می‌گذارد، حتی زمانی که انتظارات یاد شده در عرصه اقتصادی مطرح نمی‌شوند.”	پورتس - سن سن برنر (Portes) ۱۳۲۳:۱۹۹۳ (Sensenbernnner	دروني
”سرمایه اجتماعی، خصایص یا مشخصات سازمان	پوتنام (Putnam) ۶۷:۱۹۹۵	دروني

ادامه جدول ۱

"اجتماعی - یعنی مواردی چون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی - را دربرمی‌گیرد که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می‌کنند."		
"سرمایه اجتماعی منعکس کننده توان افراد برای کارکردن با هم در جهت اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌هاست".	فوکویاما (Fukuyama)، ۱۰:۱۹۹۵	دروني
"سرمایه اجتماعی شبکه شخصی هر فرد و عضویت و عضویت‌های نهادی نخبگان است."	Belliveau، ۱۵۷۲:۱۹۹۶ (Wade O'Reilly،	بیرونی
"سرمایه اجتماعی آن ابزار، امکانات و فرایندهایی است که در دل جامعه مدنی تکامل یافته و پیشرفت و توسعه را برای کلی جمعی ترویج می‌نماید."	توماس (Thomas)، ۱۱:۱۹۹۶	دروني
"سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مداراست که در درون آن شبکه‌های گسترش‌اندمانی‌های داوطلبانه پیدید می‌آید."	اینگل هارت (Inglehart)، ۱۸۸:۱۹۹۷	دروني
"به سادگی، سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا هنجارهای غیررسمی تعریف کرد که اعضای یک گروه مشترک‌آبادانها باور دارند و همکاری بین آنان را مجاز می‌سازد."	فوکویاما، ۱۹۹۷(Fukuyama)	دروني
"رشته روابط متقابل اجتماعی که بر رفتار فرد اثر گذارد و بدان طریق بر رشد اقتصاد مؤثر واقع می‌شود."	پنار (Pennar)، ۱۵۴:۱۹۹۷	دروني/بیرونی
"سرمایه اجتماعی رشته روابط متقابل همکارانه بین شهر و نهادی است که حل مشکلات عمل جمعی را تسهیل می‌کند."	برهم و راهمن (Rahn，Brehm)، ۹۹۹:۱۹۹۷	دروني
"سرمایه اجتماعی فرصت‌های در یک شبکه است."	بورت (Burt)، ۳۵۵:۱۹۹۷	دروني
"جمع منابع بالفعل و بالقوه، در دسترس افراد ناشی شده از شبکه روابط متقابل متعلق به فرد یا واحد اجتماعی. در نتیجه، سرمایه اجتماعی هم شامل شبکه و هم شامل دارایی‌هایی است که احتمال بسیج شدن آن از طریق آن شبکه وجود دارد."	نهایاپیت و گوشال، & Nahapiet) (Ghoshal، ۲۴۳:۱۹۹۸	دروني/بیرونی
"سرمایه اجتماعی توانایی کنش‌گران در تضمین منافع صرفاً	پورتس (Ports)، ۶:۱۹۹۸	بیرونی

ادامه جدول ۱

به علت عضویت آنان در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی است.		
"سرمایه اجتماعی شامل اطلاعات، اعتماد و هنجارهای دو سویه ذاتی شبکه‌های اجتماعی هر فرد است."	ول کاک (Wookock) ، ۱۹۹۸:۱۵۳	دروني/پيروني
"سرمایه اجتماعی فرایندی است که کشنگران اجتماعی طی آن فرایند شبکه ارتباطات درون و بین سازمان‌ها را برای دستیابی به منابع سایر کشنگران اجتماعی خلق و بسیج می‌نمایند."	نوکه (Knoke) ، ۱۹۹۹:۱۸	دروني
"سرمایه اجتماعی عبارت است از هنجارها و شبکه‌هایی که به مردم برای کشن جمعی باری می‌رساند." "مهم آن نیست که چه می‌دانی، مهم آن است که چه کسی را می‌شناسی."	ول کاک و نارایان (Woolcock & Narayan) ۲۰۰۰:۲۲۵	دروني
"سرمایه اجتماعی" مانند سرمایه طبیعی واژه‌ای است که از سوی اقتصاددانان بورژوا برای اشاره به عوامل برونی که به سرمایه داده‌هایی می‌افزاید یا به وسیله ستدانده‌هایی از آن می‌کاهد و قادر به از بین رفتت توسط سرمایه و یا گنجانیدن در درون سرمایه است، به کار می‌رود."	دایرة المعارف MIA ، ۲۰۰۱:۱۴۹	دروني/پيروني
"سرمایه اجتماعی ایده‌ای است که اکنون در ایالات متحده و در اروپا گرچه به معانی و نتایج و آثار گوناگون، اما به گستردگی تمام مورد بحث قرار می‌گیرد و به کار می‌رود. در سنت ایالات متحده، سرمایه اجتماعی بر پایه انجام اجتماعی، اجتماع محلی گرایی و مشارکت مردم‌سالارانه محلی شکل می‌گیرد و متکی به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه مدنی است. اما سرمایه اجتماعی در نگاه اروپایی بیشتر نهاد محور است که بر روابط در درون خانواده و سرمایه اجتماعی ناشی از آن و حقوق و مسؤولیت‌های فرد در درون سازمان‌های اجتماعی تأکید می‌کند."	ویستته ناوارو (Vicente Navarro)، ۲۰۰۲:۴۲۳	دروني / پيروني
"اقتصاددانان غالباً" به ملاطی که جامعه را به هم می‌پیوندد سرمایه اجتماعی گویند."	ژوزف استیگلیتز (Joseph Stiglitz)، ۲۰۰۲:۱۶۱	دروني

ادامه جدول ۱

"به بیان کلی، سرمایه اجتماعی به ارزش‌ها و هنجارهایی مربوط است که از پیوندها و روابط متقابل گروهی و اجتماعی تفاهم شده مردم نشأت گرفته و به نوبه خود پدیدآورنده آن پیوندها و روابط نیز محسوب می‌شوند."	Rosalind Edwards (روزالیند ادواردز)، ۸۱:۲۰۰۴	دروني
"سرمایه اجتماعی با در اختیار قرار دادن دانش مفید در مورد فرسته‌های موجود، آن هم از طریق شبکه پیوندها، کنش‌های افراد درون ساختار اجتماعی را تسهیل می‌کند."	چای یووا و دیگران، (Chay yue wah) ۱:۲۰۰۵ et.al	دروني
"سرمایه اجتماعی موضوعی مربوط به سازمان اجتماعی است و منبع بالقوه ارزش محسوب می‌شود که می‌توان آن را برای اهداف راهبردی و منفعت محور مهار کرد و تبدیل نمود."	موریل مینات، (Murielle Mignot) ۱:۲۰۰۵	دروني / بیرونی

(۳) مفهومسازی سرمایه اجتماعی

در جدول شماره ۱ سی و هفت تعریف از سرمایه اجتماعی ارائه شده است که تنها کاربرد کارل مارکس به معنایی که امروز از سرمایه اجتماعی مراد می‌شود، مستقیماً مربوط نیست. سایر تعاریف علی‌رغم تفاوت و تنوع مفهومی، مهم‌ترین مفاهیم به کار رفته برای القاء معانی سرمایه اجتماعی را معرفی می‌نمایند. بدیهی است تنوع یادشده در عین حال اغتشاش مفهومی موجود در بحث از سرمایه اجتماعی که مورد اشاره قرار گرفت را نیز می‌رسانند. بررسی تعاریف ارائه شده گویای این حقیقت است که سرمایه اجتماعی به مهم‌ترین پرسش علوم اجتماعی می‌پردازد، پرسشی که همواره ذهن متفکران را به خود مشغول داشته است. چنین دل‌مشغولی را سال‌ها پیش از پیدایش علوم اجتماعی به نحوی که پس از عصر روشنگری و در قالب پارادایم مدرنیته تدوین یا فورموله شده است، می‌توان ردیابی کرد.

به هر تقدیر سرمایه اجتماعی پاسخی فراگیر به این پرسش قدیمی است که در علوم اجتماعی جدید یا امروزین نیز محوری بودن خود را حفظ کرده است. از چه روی آدمیان گرد هم می‌آیند و علی‌رغم منافع متضاد، در سطحی وسیع‌تر منافعی مشترک پیدا می‌کنند و انواع گروه‌بندی جمعی را شکل می‌دهند و برای حفظ آن به جان می‌کوشند؟ به دیگر سخن «چه چیزی جوامع را سرپا

نگاه می‌دارد و آدمیان را به کنش و واکنش آن هم برای فضیلت‌ها یا خیر عمومی و جمعی سوق می‌دهد؟» (نگاه کنید به ۲۰۰۵ دهد، Ostom, 1994; Levi, 1996; Welzel, et al. 2005). غوری در تعاریف ارائه شده نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها چه مستقیم و با وضوح و چه غیرمستقیم و ضمنی به چنین پرسشی نظر دارند. مفاهیمی چون روابط متقابل یا کنش و واکنش، کنش‌گری و کنش جمعی که بیشترین فراوانی در بین مفاهیم به کار رفته در تعاریف را به خود اختصاص داده‌اند (با ۲۱ بار تکرار در تعاریف) و مفهوم شبکه پیوند اجتماعی (با ۱۷ بار تکرار در تعاریف)، اهمیت پرسش یاد شده را می‌رسانند. بسیاری از مفاهیم دیگری که مورد استفاده قرار گرفته‌اند نیز بر این موضوع و اهمیت آن گواه‌اند. در جدول شماره ۲ مفاهیم به کار رفته در تعاریف، به همراه واحد اجتماعی محوری هر تعریف و هدف آن ارائه می‌شود تا ادعای بالا مستندتر پی‌گیری شود و سنگبنای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی معرفی گردد.

جدول ۲: مفاهیم محوری مندرج در تعاریف سرمایه اجتماعی

هدف	واحد: فردی - جمعی	مفاهیم محوری مندرج در تعاریف	نام ارائه‌کننده تعریف و زمان ارائه
ساختن اجتماعی محلی (کامپونیتی)	فرد، خانواده، گروه	نیت و قصد خیر، دوستی، علاقمندی و جذبه دوسویه، روابط اجتماعی، احترام متقابل، تیمارگری	هانی فن (۱۹۱۶)
نهادسازی، شبکه‌سازی	گروه، شهر	شبکه‌های اجتماعی منعکس در همسایگی و همسایه بودن	جین جاکوب (۱۹۶۱)
نهادسازی	گروه، نهاد، همسایگی	مبادله، حمایت، روابط متقابل، دوسویگی	هارنر (۱۹۶۹)
نابرابری	گروه، طبقه اجتماعی، سیستم ساختار	فرصت، متن، خلق سرمایه انسانی، تبعیض، نابرابری	لوری (۱۹۷۷)

ادامه جدول ۲

نهادسازی	گروه، شهروندسانزی	کنترل اجتماعی، ارزش‌ها، کارایی، هزینه، فایده، شهروندی، قانون و قانون‌گرایی	شلیخت (۱۹۸۴)
منافع طبقاتی	طبقه، فرد	طبقه بالای اجتماعی، نابرابری، تبعیض، نابرابری	اوسمیم و کارابل (۱۹۸۶)
نهادسازی، شبکه‌سازی	فرد، گروه، نهاد	شبکه اجتماعی، عضویت، اجتماعی شدن در درون خانواده، تعلیم و تربیت، دوسویگی، منابع، روابط، دسترسی	بوردیو (۱۹۸۶)
شبکه، ایجاد فرصت	متن، گروه، فرد	نتیجه، فرصت، سازندگی، خیر عمومی، سازمان داوطلبانه، ساختار اجتماعی، دوسویگی	کوله من (۱۹۹۰)
نهادسازی، شبکه‌سازی	فرد، گروه	روابط مقابل، شبکه، کنش‌گر	بورت (۱۹۹۰)
منافع گروهی، فردی	فرد، گروه	کنش‌گر، ساختار اجتماعی، منافع فردی و جمعی، روابط مقابل، منابع	بیکر (۱۹۹۰)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	حمایت، منابع	باکس من و دیگران (۱۹۹۱)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	منابع بالقوه و بالفعل، شبکه اجتماعی، آشنایی، پذیرفته شدن	بوردیو و وکانت (۱۹۹۲)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	دوستان، همکاران، ارتباطات اجتماعی، آشنایان، فرصت سرمایه مالی، سرمایه انسانی	بورت (۱۹۹۲)

ادامه جدول ۲

نابرابری، منافع فردی	فرد، گروه	روابط اجتماعی، دستیابی به حمایت، بازارگاه، دارایی نابرابری	لوری (۱۹۹۲)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	عناصر ساختار اجتماعی، روابط اجتماعی، داده‌های تولیدی، کارکرد منفعت فرد	شیف (۱۹۹۲)
منافع فردی	فرد، گروه	چشم‌داشت‌های اجتماعی، عمل جمعی، اهداف اقتصادی، رفتار هدفمند	پورتس و سن سن برز (۱۹۹۳)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	ویژگی سازمان اجتماعی، شبکه اجتماعی	پوتنم (۱۹۹۵)
منافع فردی، گروهی، منافع سازمانی	فرد، گروه، سازمان	کار گروهی، اهداف مشترک (دوسویگی) گروه، سازمان	فوکویاما (۱۹۹۵)
منافع فردی	فرد، گروه	کار داوطلبانه، فرایند‌های اجتماعی، جامعه مدنی، نفع جمعی، توسعه	توماس (۱۹۹۶)
منافع فردی	فرد، نهاد	شبکه خصوصی فرد، عضویت نهادی	بلی وو و دیگران (۱۹۹۶)
منافع فردی	فرد	فرصت‌ها، شبکه، دلالی	بورت (۱۹۹۷)
همکاری فردی و گروهی	فرد، گروه	ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی مشترک بین اعضای گروه، تعاون و همکاری	فوکویاما (۱۹۹۷)
منافع گروهی	فرد، گروه	فرهنگ اعتماد و مدارا، شبکه انجمن‌های داوطلبانه، توسعه نفع جمعی	اینگلهارت (۱۹۹۷)

ادامه جدول ۲

منافع گروهی، شهروندی	گروه	روابط متقابل اجتماعی، رفتار فردی، رشد اقتصادی	برهم راهن (۱۹۹۷)
منافع گروهی	فرد، گروه	رشته روابط متقابل اجتماعی، رفتار فردی، رشد اقتصادی	پنار (۱۹۹۷)
منافع فردی	فرد، گروه	کش گران، تضمین منافع، عضویت، شبکه‌های اجتماعی	پورتس (۱۹۹۸)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	منافع بالقوه و بالفعل، روابط متقابل اجتماعی، واحد اجتماعی شبکه، دارایی، بسیج منابع	نهایات و گوشال (۱۹۹۸)
منافع فردی و گروهی	فرد، گروه	اطلاعات، اعتماد، هنجارهای دوسویگی، شبکه‌های اجتماعی	ولکاک (۱۹۹۸)
منافع گروهی	گروه، اجتماع	اطلاعات نفوذ، کترل و همیستگی	کوله من (۱۹۹۸)
منافع گروهی	گروه، اجتماع	فرآیند، کش گران اجتماعی، پیوندهای شبکه‌ای، سازمانها منابع سایر افراد، دسترسی	کنوک (۱۹۹۹)
منافع جمیعی	ساختار اجتماعی	هنجارها، شبکه‌ها، عمل جمیعی	ولکاک و نازانان (۲۰۰۰)
منافع جمیعی	گروه، ساختار	پیوندهای افراد، شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها دوسویه، قابلیت	پونتم (۲۰۰۰)
منافع فردی، گروهی	فرد و گروه	کنش متقابل افراد با هم	دکرواسلندر (۲۰۰۱)
منافع فردی، گروهی	فرد و گروه	نیت خیر، ساختار روابط اجتماعی، محتوای روابط اجتماعی، اطلاعات و نفوذ	آدلرو کوون (۲۰۰۲)

ادامه جدول ۲

منافع فردی، گروهی	فرد و گروه	انسجام اجتماعی، اجتماع محلی، مشارکت، جامعه مدنی، نهادهای اجتماعی، روابط خانوادگی، حقوق و مسئولیت فرد	ناوارا (۲۰۰۲)
منافع جمیعی	ساختمار اجتماعی	ملاط پیونددهنده اجتماع	استیگلیتر (۲۰۰۲)
منافع جمیعی	ساختمار اجتماعی	ارزش‌ها و هنجارها، پیوند و روابط اجتماعی، شبکه اجتماعی	ادواردز (۲۰۰۴)
منافع فردی و جمیعی	فرد و جمع	مبادله اطلاعات، فرسته‌های اجتماعی، شبکه اجتماعی، کنش‌های اجتماعی	چای یوروا و دیگران (۲۰۰۵)
منافع فردی، گروهی	فرد و جمع	سازمان اجتماعی، ارزش، منفعت	مینات (۲۰۰۵)
منافع جمیعی	ساختمار اجتماعی	هنجارها، اعتماد متقابل، شبکه‌های اجتماعی	شیلاکندي (۲۰۰۵)
منافع جمیعی	شبکه و روابط اجتماعی	شبکه‌های اجتماع محلی و ساختار روابط اجتماعی	مور (۲۰۰۵)

چنان‌چه در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، هفتادویک مفهوم مرتبط با موضوع بدون توجه به ارتباط معنایی و یا سنتیت بین آن‌ها در تعاریف مطرح شده به کار رفته است. چنان‌چه مفاهیم به کار رفته براساس هدف مقاله حاضر، یعنی کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی^{*} طبقه‌بندی مجدد شوند، موارد زیر به کف می‌آید که نشان‌دهنده خطوط کلی مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی است:

* باید توجه داشت که برخی از مفاهیم بنا به ماهیت می‌توانند در دو طبقه یا بیشتر قرار گیرند.

- قالب یا چارچوبی که سرمایه اجتماعی به عنوان فرآیندی اجتماعی در درون آنها موضوعیت می‌یابد.

(ساختار اجتماعی، شبکه و شبکه‌های اجتماعی، سازمان اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها داوطلبانه، اجتماع محلی، جامعه مدنی، طبقه اجتماعی، خانواده، واحد همسایگی، بازار)

- مقوله‌هایی که به سرمایه اجتماعی مانند هر پدیده اجتماعی دیگر نظم می‌دهند و آن را قاعده‌مند می‌کنند؛ به بیان دیگر مقوله‌های نظم‌بخش.

(ارزش‌ها، هنجارهای غیررسمی، قانون، کنترل اجتماعی، چشم‌داشت‌های اجتماعی)

- محموله‌های مشخص بالقوه حاوی سرمایه اجتماعی

(دوستی، همسایه بودن، آشنایان، آشنایی، همکاران، عضویت، شهروندی و شهریوندان، جذبه و جذبۀ دوسویه، نفوذ، علاقه‌مندی، سرمایه طبیعی یا فیزیکی، سرمایه مالی - اقتصادی، سرمایه انسانی، دارایی، احترام و احترام متقابل، حمایت و حمایت متقابل)

- پیش‌شرط‌های ضروری برای وقوع سرمایه اجتماعی

(روابط یا کنش‌های اجتماعی، مبادله اجتماعی، بدۀ و بستان اقتصادی، نیت و قصد خیر، روابط رفت و برگشته یا دوسویگی، همبستگی و مشارکت، عامل یا کنش‌گر، اعتماد و فرهنگ اعتماد، مدارا، منابع فرصت، دسترسی)

- نتایج و آثار سرمایه اجتماعی

(کارآیی، مبادله منافع و نفع بری، تیمارگری، فایده و نفع جمعی، اطلاعات و مبادله اطلاعات، توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی، اعتماد، حل مشکلات، افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی، افزایش علاقه و پیوند میان فردی، رشد اقتصادی، تضمین منافع)

- موانع و زیان‌های سرمایه اجتماعی

(تبییض و نابرابری، هزینه و هزینه اجتماعی)

همچنین در جدول شماره ۱ که حاصل مرور نسبتاً جامع منابع گوناگون است، تعاریف سرمایه اجتماعی در محدوده‌ای هفتادساله مرور شده‌اند، نگاهی گذرا به تعاریف نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به‌طور عام به هنجارهای اعتماد و دوسویگی یا روابطی با رفت

و برگشت اشاره دارد که معمولاً در درون شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد و به نتایجی عمدتاً مثبت و در مواردی منفی منجر می‌گردد. هدف روابط یاد شده استفاده از منابعی است که افراد به دلایل گوناگون از جمله ویژگی‌های فردی چون جنس، سن، تحصیلات، پایگاه و منزلت اجتماعی و نظایر آن طی زمان انباشته‌اند. منابع یاد شده تنها با تصور انباشت مثبت منابع و سهیم شدن در منابع اعضای گروه‌بندی‌های متنوع اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرمایه اجتماعی فی‌نفسه، آثار و نتایج حاصل از آن و اسکال متعدد استفاده آن، عموماً مقید به زمان و مکان بوده با ویژگی‌های ساختار جامعه و عناصر و اجزاء آن رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. به علاوه، همان‌گونه که اشاره شد، سرمایه اجتماعی گرچه عمده بحثی آکادمیک یا مدرسه‌ای به شمار می‌رود، لیکن در دو دهه گذشته مرزهای بحث‌های مدرسه‌ای را در نور دیده به موضوعی عامه‌پسند نیز بدل گشته است. بدین‌بهی است که چنین کاربردی در کنار منافع حاصل از آن و غنا و عمقی که به کف آورده است، به اختشاش مفهومی و عملیاتی مورد اشاره، گستردگی ویژه‌ای بخشیده است.

بررسی منابع و متنون نیز نتیجه‌ای که قبلاً مورد بحث قرار گرفت را تأیید می‌کنند، بدین معنا که به هنگام استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی باید به سه موضوع محوری توجهی ویژه نشان داد. این سه موضوع عبارتند از: الف) جوهر یا اصل ذاتی سرمایه اجتماعی؛ ب) منابع سرمایه اجتماعی و ج) نتایج، آثار یا مصادق‌های سرمایه اجتماعی. لیندون جی رابی‌سان، ال جی شمید و ام ئی سی لس (Robinson, Schmid & Siles, 1995) در مقاله راهگشای خود تحت عنوان «آیا واقعاً سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه است؟» به اهمیت تمایز بین این سه مفهوم محوری، اشاره کرده‌اند. بعدها متفکران گوناگونی از جمله پل. اس آدلر و سئوک وو کوون در مقاله «سرمایه اجتماعی: چشم‌اندازهای برای مفهومی جدید»، اهمیت تمایز یاد شده را بارها مورد تأکید قرار داده‌اند. جوهر سرمایه اجتماعی یا آن‌چه که سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد، منابع انباشت شده متعلق به افراد در مجموعه‌های بسیار متنوع اجتماعی است. اساساً وجود چنین منابعی کاربرد سرمایه در مفهوم مبادله است. اتفاقاً کاربرد سرمایه در مفهوم سرمایه اجتماعی در بین متفکران گوناگون زمینه‌ساز بحث و

جدلی گاه آتشین و دلکش شده است. به بیان دیگر چه نقاط مشترکی بین مفهوم متداول سرمایه و کاربرد آن در سرمایه اجتماعی وجود دارد؟ همان‌گونه که اشاره شد، متفکران بسیاری کوشیده‌اند تا به چنین پرسش‌هایی پاسخی در خور ارائه کنند. از جمله متفکران یاد شده آدلر و کوون (۱۹۹۸) می‌باشد که بر پایه تحلیل کوله من به پرسش‌های بالا پاسخی جالب داده‌اند. دو متفکر مورد اشاره چهار وجه تشابه بین مفهوم سرمایه اجتماعی و معنای عام و قدیمی سرمایه یا به طور کلی با سایر انواع سرمایه، یافته‌اند. به نظر آنان «نخست آنکه، سرمایه اجتماعی منبعی است که بر اساس آن می‌توان بر روی منابع دیگر، سرمایه‌گذاری کرد، امید بازگشت سرمایه بیشتری را هم داشت و البته نه به طور حتم و با یقین کامل.

دوم آنکه سرمایه اجتماعی تصاحب‌شدنی و تا حدودی تبدیل‌پذیر است. تصاحب‌شدنی بدان معناست که همان سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری شده را می‌توان برای سایر کاربردها مورد استفاده قرار داد. مثلاً رفیق شفیق درست پیمانی که کاری برای دوست خود پیدا کرده است، در زمان بحران خانوادگی نیز می‌توان سنگ صور دوست خود محسوب شود. قابل تبدیل نیز به معنای مبادله سرمایه اجتماعی با سایر انواع سرمایه است. البته مورد اخیر به سادگی سایر موارد نیست. از بین تمامی انواع سرمایه که پیش بوردیو بر شمرده است، سرمایه اقتصادی نقدت است، زیرا سرمایه اقتصادی را به راحتی می‌توان به سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی تبدیل کرد. در مقام مقایسه نرخ قابلیت تبدیل سرمایه اجتماعی به سایر انواع سرمایه کمتر است. سرمایه اجتماعی کمتر حالت نقدی داشته، کمتر سیال است.

سومین شیوه‌ی آن است که سرمایه اجتماعی بر عکس سرمایه مالی و دقیقاً مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، برای آنکه قدرت تولیدی خود را حفظ کند نیازمند نگهداری یا تیمار کردن است. روابط بین آدمیان چنان‌چه برای مدتی قطع شود و دیداری دست ندهد به فرسوده شدن و از میان رفتن میل می‌کند [که گفته‌اند: از دل برود هر آنکه از دیده برفت]. البته باید توجه داشت که بر عکس سرمایه انسانی، شخص به تنها بی نمی‌تواند از ثمرات

سرمایه اجتماعی استفاده کند و حتماً نیازمند مشارکت طرفهای متعددی است [به بیان دیگر، استفاده از آن مشروط به حضور دیگران و عضویت فرد در شبکه اجتماعی است]. چهارم، سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی و بر عکس سرمایه فیزیکی، فاقد نرخ استهلاک قابل پیش‌بینی است. برای مثال هر چه اتو میلی کارکرد بیشتری دارد، قیمت پایین‌تری نیز خواهد داشت. اما بر عکس روابط متقابل افراد با استفاده بیشتر، مستهلك نمی‌شود [به قولی، دوست کهنه ارزشمندتر است]. البته هیچ شیوه متداولی وجود ندارد که توسط آن بتوان پیش‌بینی کرد که رابطه افراد در طول زمان چگونه دگرگون می‌شود.

انگستروم پس از نقل چهار مساله‌ای که از سرمایه بودن سرمایه اجتماعی دفاع می‌کند به نکته‌ای ارزنده اشاره دارد که جوهر سرمایه اجتماعی، به عنوان منبعی با ارزش و تولیدکننده ارزش را به وضوح نشان می‌دهد. به نظر او «آن‌چه که سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه تمایز می‌سازد و تمایزی بین‌الذین به حساب می‌آید آن است که سرمایه اجتماعی در خود کنش‌گران مستقر نیست و در فردیت آنان شکل نمی‌گیرد بلکه جایگاه آن در رابطه کنش‌گران با سایرین با معنا می‌شود. لذا سرمایه اجتماعی به زبان اقتصاد، کالایی عمومی است. سرمایه اجتماعی ملک شخصی افرادی که از آن سود می‌برند به حساب نمی‌آید، زیرا به خیرخواهی، نوع پرستی و عطوفت و کرامت سایرین بستگی دارد» (Engestrom, 2001:9). به قول بروت «هیچ کنش‌گر یا بازیگری به تنهایی حق مالکیت سرمایه اجتماعی را دارا نیست. چنان‌چه طرف شما در رابطه‌ای متقابل به رابطه پایان دهد، تماس و رابطه فرو می‌پاشد و هر آن‌چه سرمایه اجتماعی در رابطه وجود دارد نیز از میان می‌رود (Burt, 1992). البته چنین واقعیتی آن‌چنان تلخ است که بدان "تراژدی عوام" نام داده‌اند. تراژدی‌ای که گویای توان فردی عادی آن هم به تنهایی در نابود کردن سرمایه یا منبعی بسیار مهم است که برای شکل گرفتن آن، همکاری و تعهد رفت و برگشتی یا دوسویه‌ای، لازم است.

آدلر و کوون جوهر سرمایه اجتماعی را نیت خیر، حسن نیت یا نیک‌خواهی^۱ معرفی

1. Goodwill

کرده‌اند. این دو متفکر در تلاشی برای ارائه کارپایه مفهومی که جریان‌های اصلی در بحث در باب سرمایه اجتماعی را با هم ادغام نماید، دیدگاه جدیدی ارائه کرده‌اند. به نظر آنان «نیکخواهی و حسن نیت دیگران در مورد ما منبعی ارزشمند است. منظور ما از حسن نیت یا نیکخواهی عبارت است از سمتی (همدردی، جاذبه، غمچواری، همسویه‌گی)، اعتماد و گذشت و عفوی که دوستان و آشنایان به ما ارزانی می‌دارند... چنان‌چه حسن نیت جوهر سرمایه اجتماعی باشد، آثار آن یعنی دسترسی به اطلاعات، نفوذ و همبستگی طبعاً با هزینه و خطر کردن (ریسک) نیز همراه است و آثار مستقیم آشنایی و دوستی به نوبه خود به آثار متنوع دیگری جان می‌بخشد. برای هر کنش‌گر مفروضی هر اثر از میان آن آثار متعدد، ارزشی متفاوت دارد که به سایر متغیرهای تعديل‌کننده بستگی تام و تمام دارد.

منابع سرمایه اجتماعی به سان سایر منابع، در ساختار اجتماعی نهفته است که کنش‌گر در درون آن جایی دست و پا کرده است. به راستی می‌توان سرمایه اجتماعی را از سایر منابع آن هم با توجه به بعد ویژه ساختار اجتماعی دربرگیرنده آن، متمایز و مجزا ساخت. زیرا سرمایه اجتماعی منبعی است که بر پایه جایگاه کنش‌گران در ساختار روابط اجتماعی آنان، در دسترس‌شان قرار گرفته است. حال این پرسش مطرح می‌شود که روابط اجتماعی چیست؟ از نظر مفهومی می‌توان بین سه بعد ساختار اجتماعی که هریک در نوعی از انواع روابط ریشه دارد، تفاوت قابل شد: الف) روابط بازار که در آن کالا و خدمات در مقابل پول یا به صورت پایاپای مبادله می‌شود؛ ب) روابط سلسله مراتبی که طی آن اطاعت از مقامات صاحب اقتدار در عوض امنیت مادی و روحی مبادله می‌شود؛ ج) روابط اجتماعی که طی آن هدیه و خدمتی مبادله می‌شود. نوع سوم از این سه نوع، ساختار اجتماعی دربرگیرنده سرمایه اجتماعی را مطرح می‌سازد. آدلر و کوون در همان مقاله معروفی که در بالا بخشی از آن عیناً ارائه گردید، کوشیده‌اند تا از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی، جمع‌بندی منظمی ارائه دهنده و تقسیم‌بندی‌هایی را استنتاج کنند. دو متفکر یادشده در ارائه تقسیم‌بندی سرمایه اجتماعی در واقع به مرور تمامی کوشش‌های مشابه نیز پرداخته‌اند. به نظر آن دو «تعاریف سرمایه اجتماعی در کلیت شبیه یکدیگرند. لیکن تفاوت‌های ظریفی

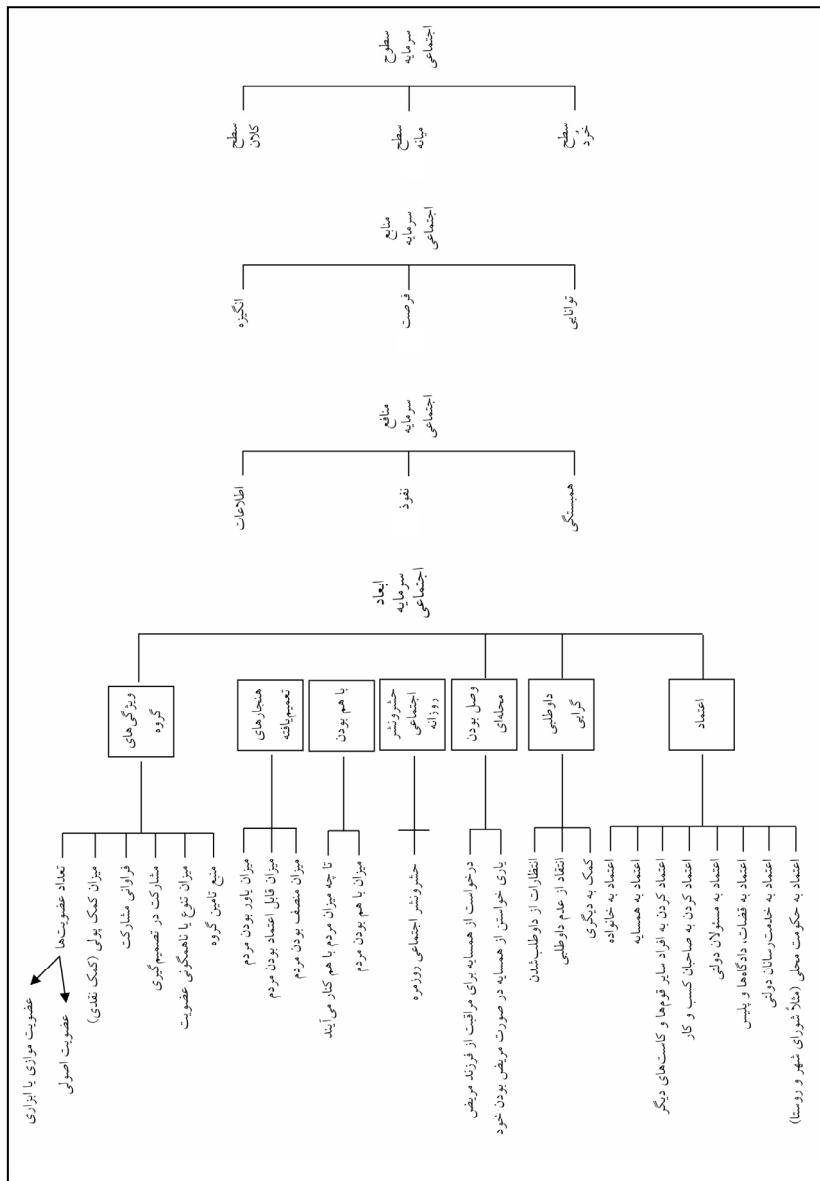
نیز آنها را از یکدیگر مجزا می‌سازد. نخست آنکه تعاریف ارائه شده باید براساس تاکید هر یک بر جوهر سرمایه اجتماعی، بر منابع و بالاخره بر آثار سرمایه اجتماعی از هم تفکیک شوند. دوم آنکه باید توجه داشت که هر تعریف به چه نوع رابطه‌ای یا چه تعریفی از روابط استوار است. آدلر و کوون در این رابطه و باز هم با اشاره به مجموعه وسیعی از منابع و متون در دسترس، ضمن تفکیک سه نوع سرمایه اجتماعی پیوندی^۱، آوندی^۲ و همآوندی^۳ و تفاوت‌های آنها چنین آورده‌اند «تفاوت بین تعاریف ناشی از این امر است» که آیا آنها بر الف) روابطی که کنش‌گری واحد با سایر کنش‌گران دارد و آنها را حفظ می‌کند تاکید روا می‌دارند و یا تاکیدشان بر ب) ساختار روابط موجود بین کنش‌گران در درون قالبی جمعی^۴ است (سرمایه اجتماعی پیوندی یا تمرکز بر پیوندهای درونی یا داخلی قالب‌های اجتماعی عمدۀ خون و تبار محور غیررسمی) و یا بالاخره تمرکزشان بر ج) روابط بیرونی یا خارجی است (سرمایه اجتماعی آوندی). ضمناً اووه و دیگران در سال ۱۹۹۹ دو نوع سرمایه اجتماعی پیوندی و آوندی را به ترتیب فرقه‌ای یا همگانی و همآوندی خوانده بودند. معمول شده است که سرمایه اجتماعی آوندی را عمودی همراه با اعتماد ضعیف، و سرمایه اجتماعی پیوندی را افقی یعنی بین افراد برابر جایگاه در قالبی جمعی و قوی بنامند. منظور از کاربرد واژه‌هایی چون قوی یا ضخیم و ضعیف یا نازک اشاره به شدت و تکرار رابطه کنش‌گران است. در عین حال سرمایه اجتماعی عمودی و ضعیف به متغیرهای دیگری نیز وابسته است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی عمودی و ضعیف در درون ساختارهای رسمی سلسله مراتبی شکل می‌گیرد و بر عکس، سرمایه اجتماعی افقی و قوی در ساختارهایی با اقتدار نامت مرکز و معمولاً همراه شهر وندی قدر تمدن، پدید می‌آید. سرمایه اجتماعی همچنین به باز و بسته تقسیم می‌شود. سرمایه

-
1. bonding
 2. bridging
 3. linking
 4. Collectivity

اجتماعی باز از ساختارها و سازمانها و شبکه‌هایی نشأت می‌گیرد که عضویت در آن‌ها بر پایه قواعد مدنی استوار و برای عموم امکان‌پذیر است؛ حال آن‌که سرمایه اجتماعی بسته، در ساختارهایی رخ می‌دهد که عضویت در آن‌ها محدود، محافظت شده و گزینشی است. همچنین باید از سرمایه اجتماعی شناختی یاد کرد که دربرگیرنده هنجارها و ارزش‌ها و نگرش‌ها و باورهای مورد قبول اعضاء در درون واحدی اجتماعی است. سرمایه اجتماعی ساختاری که تسهیل‌کننده عمل جمعی ناظر بر منافع مشترک است، بر پایه نقش‌های نهادینه و آن دسته از شبکه‌های اجتماعی پدید می‌آید که بر قواعد و رویه‌هایی مشخص استوار است. همچنین از مصدقه‌های ساختاری و مصدقه‌های ادراکی سرمایه اجتماعی سخن به میان آمده است.

محدودیت‌های حاکم بر مقاله با گسترده‌گی مفهومی، پیچیدگی، تناقضات درونی و تنوع مفهوم سرمایه اجتماعی همخوان نیست؛ لذا چاره‌ای باقی نمی‌ماند مگر اشاره‌ای فهرستوار آن هم در قالب نموداری به چند مبحث باقی‌مانده مرتبط با مفهومی کردن سرمایه اجتماعی.

**نمودار ۱: جمع‌بندی سطوح، منابع، منافع و ابعاد سرمایه اجتماعی با اشاره به
شاخص‌ها و زبان‌های آن**



(۴) جمع‌بندی

- سرمایه اجتماعی علی‌رغم کاستی‌ها، اغتشاش مفهومی و وجود غلط آموزی‌های گوناگون در برخی از منابع و متون مربوط به آن، مفهومی جدید، مهم، قابل توجه و پویاست که با ربط دادن مباحث جامعه‌شناختی به مباحث اقتصادی و تاکید مجدد بر متغیرهای اجتماعی در تحلیل‌های اقتصادی بر غنای علوم اجتماعی می‌افزاید.
- سه حیطه اصلی تحقیق یعنی منابع سرمایه اجتماعی، رابطه علی بین اجزای ساختاری و نهادی سرمایه اجتماعی و بالاخره نتایج سرمایه‌داری، حیطه‌هایی است که به عنوان موضوع محوری در بحث از سرمایه اجتماعی شناخته شده‌اند و از این روی امکان تولید بر هم انباشتی داشت فراهم آمده است.
- به تدریج کاربرد سرمایه اجتماعی و مفید بودن چنین کاربردهایی در حیطه‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه منطقه‌ای و محلی، مطالعات اجتماع محلی، تعلیم و تربیت، خانواده و جوانان، اشتغال و سازمان، مردم‌سالاری و اداره کردن مردمی (حکمرانی - حکمرانی)، جرم و خشونت، رفتار جمعی و اخیراً به نحوی گستردگی در حیطه‌های مرتبط با بهداشت عمومی و پایداری زیست‌محیطی، به اثبات رسیده و افزودن سرمایه اجتماعی به عنوان متغیری تاثیرگذار چه در عرصه‌های توصیفی و چه فرضیه‌آزمایی به اثبات رسیده است.
- در عین حال روز به روز محدودیت‌های سرمایه اجتماعی نیز روشن‌تر شده و از هیاهوی بسیار که به ناگهان در باب آن به عنوان کلید حل تمامی مسایل و مشکلات یا مفهومی جادویی به راه افتاده بود به شدت کاسته شده است. معلوم گردیده است که به علت بی‌توجهی در استفاده از آن که منجر به پیدایش بی‌دلیل دهانه نظرگاه و کارپایه مفهومی و نظری گردیده است از یک سو و پیچیدگی ذاتی مفهوم از سوی دیگر، در مواردی کارآیی سرمایه اجتماعی محل تردید بوده و کنترل آن در فرایند پژوهش غیرممکن می‌گردد (نگاه کنید به Cohen, 1999:220; Bertolini & Bravo, 2001:1).

- به تبع استفاده از سرمایه اجتماعی - برکنار از مزایا و کاستی‌های آن - توجه عمومی به مباحث مهمی چون مشارکت اجتماعی، جامعه مدنی، اخلاقیات مدنی و مردم‌سالاری محلی و مشارکتی به نحوی بی‌سابقه جلب شده است و مورد تاکید قرار گرفته است.
- مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی در دو جهت به طور همزمان به پیش رفته است. در زمینه نخست آن را منبعی متعلق به فرد تلقی کرده و در جهت دوم سرمایه اجتماعی را از جمله مختصات شبکه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی تصور نموده‌اند. این دو نوع مفهوم‌سازی با در نظر گرفتن سه سطح تحلیل کلان، میانه و خرد، امکان توجه به ابعاد متعدد و گاه متناقض سرمایه اجتماعی را فراهم آورده، به تدریج نظمی روش‌شناختی در کاربرد آن پدید آمده است که تکامل بعدی آن، سبب غلبه بر شکاف موجود بین سطح نظری و سطح روش‌شناختی در بحث‌های سرمایه اجتماعی خواهد گشت.

- Adler, P. & Kwon, S. (2000), **Social Capital: The Good, The bad, and the Ugly**, in Lesser, E. L. (ed), Knowledge and Social Capital: Foundations and Applications, Boston, Butterworth-Heinemann.
- Adler, P. S. & Kwon, S. (2002), **Social Capital: Prospects for a New Concept**, Academy of Management Review, 27 (1).
- Anheier, H. K. & Kendall, J. (2000), **Trust and Voluntary Organizations: Three Theoretical Approaches**, Civil Society Working Paper 5, London School of Economics, in <www.lse.ac.uk/collections/CCS/pdf/CSWP5web-version.PDF>.
- Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (2000), **Social Capital: A Review and Critique**, in Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (eds), Social Capital: Critical Perspectives, Oxford, Oxford University Press.
- Bourdieu, P. (1986), **The Forms of Capital**, in Richardson, J. (ed), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Green Wood Press, Westport, CT.
- Business Day. 2004/11/08, 12:00:00 AM. Foreign investors are not the villains <www.businessday.co.za/Articles/TarkArticle.aspx?ID=1302930>.
- Coleman, J. S. (1998), **Social Capital in the Creation of Human Capital**, American Journal of Sociology, 94.
- Côté, S. (2001), **The Contribution of Human and Social Capital**, ISUMA Canadian Journal of Policy Research, 2 (1).
- Evans, P. (1996), **Introduction: Development Strategies across the Public-Private Divide**, World Development, 24(6).
- Field, John. (2003), **Social Capital**, London, Routledge.
- Fine, B. (2001), **Social Capital versus Social Theory: Political Economy and Social Science at the Turn of the Millennium**, Routledge, London and New York.
- Fukuyama, F. (1995), **Social Capital and the Global Economy**, Foreign Affairs, 74(5).
- Granovetter, M. (1985), **Economic Action and Social Structure: The Problems of Embeddedness**, American Journal of Sociology, 91(3).

- Grootaert, C. (1999), **Social Capital, Household Welfare, and Poverty in Indonesia**, Local Level Institutions, Working Paper no. 6, Washington, DC, The World Bank.
- Kilby, P. (2002), **Social Capital and Civil Society**, National Centre for Development Studies, Australian National University.
- Krishna, A. & Shrader, E. (1999), **Social Capital Assessment Tool**, Social Capital Initiative Working Paper no. 22, The World Bank, Washington DC. in <www.worldbank.org/poverty/scapital/wkrppr/wrkppr.htm>
- Krishna, A. (2002), **Active Social Capital: Tracing the Roots of Democracy and Development**, Columbia, Columbia University Press.
- Lesser E. L. (ed). (2000), **Knowledge and Social Capital: Foundations and Applications**, Boston, Butterworth-Heinemann.
- Levi, M. (1996), **Social and Unsocial Capital: A Review Essay of Robert Putnam's Making Democracy Work**, Politics and Society, 24(1).
- Maloney, W. A.; Smith, G. & Stoker, G. (2000). **Social Capital and Associational Life**, in Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (eds), Social Capital: Critical Perspectives, Oxford: Oxford University Press.
- Maluccio J.; Haddad, L. & May, J. (1999), **Social Capital and Income Generation in South Africa, 1993-98**, paper prepared for IDSIFPRI workshop, Economic Mobility and Poverty Dynamics in Developing Countries, 7-8 April 1999 Brighton.
- Narayan, D. & Cassidy, M. F. A. (2001), **Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and validation of a Social Capital Inventory**, in Current Sociology, 49(2), SAGE Publications, London, Thousand Oaks, CA and New Delhi.
- Narayan, D. & Pritchett, L. (1997), **Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania**, Policy Research Working Paper No. 1796, Washington DC, World Bank.
- Ostrom, E. (2000), **Social Capital: A Fad or Fundamental concept?**, in Dasgupta, P. & Seragilden, I. (eds), Social Capital: A Multifaceted

- Perspective, Washington DC, World Bank.
- Patulny, R. (2004), **Social Capital Norms, Networks and Practices – A Critical Evaluation**, SPRC Discussion Paper No. 134, Sydney, The Social Policy Research Centre.
 - Pantoja, E. (1999), **Exploring the Concept of Social Capital and its Relevance for Community Based Development: The Case of Mining Areas in Orissa, India**, draft paper, Social Capital Initiative, South Asia Infrastructure Unit, The World Bank.
 - Paxton, P. (1999), **Is Social Capital Declining in the United States? A multiple indicator assessment**, American Journal of Sociology, 105.
 - Portes, A. & Landolt, P. (1996), **Unsolved Mysteries: The Tocqueville Files II. The Downside of Social Capital**, The American Prospect, 7.
 - Portes, A. (1998), **Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology**. Annual Review of Sociology, 24(1).
 - Putnam, R.; Leonardi, R. & Nanetti, R. (1993), **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**, Princeton, Princeton University Press.
 - Putnam, R. D. (1995), **Tuning in, Tuning out: The Strange disappearance of social Capital in America**, Political Science and Politics, 28.
 - Putnam, R. D. (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York, London, Simon & Schuster.
 - Sandefur, R. & Laumann, E. O. (1998), **A Paradigm for Social Capital**. Rationality and Society, 10(4), Sage Publications.
 - Skocpol, T. (1996), **The Tocqueville Problem: Civic Engagement in American Democracy**, Presidential address to the annual meeting of the Social Science History Association, New Orleans, LA, October 12.
 - Solow, R. (1995), **Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity**, The New Republic, 213.
 - Stone, W. & Hughes, J. (2002), **Social Capital: Empirical Meaning and Measurement Validity**, Melbourne, Australian Institute of Family Studies.
 - Swedberg, R. M. (1991), **The Battle of the Methods: Toward a Paradigm**

- Shift?** In Etzioni, A. & Lawrence, P. R., Socio-Economics: Toward a New Synthesis, New York, M. E. Sharpe Inc.
- Sreter, S. (2000), **Social Capital, the Economy and Education in Historical Perspective**, in Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (eds), Social Capital: Critical Perspectives, Oxford, Oxford University Press.
 - Uphoff, N. (2000), **Understanding Social: Learning from the Analysis and Experiences of Participation**, in Dasgupta, P. & Serageldin, I. (eds), Social Capital: A Multifaceted Perspective, Washington DC, World Bank.
 - Uslaner, E. **Democracy and Social Capital**, in Warren, M. E. (ed), Democracy and Trust, New York, Cambridge University Press.
 - Warner, M. (2001), **Building Social Capital: The Role of Local Government**, Journal of Socio-Economics, 30.
 - Winter, I. (2000), **Towards a Theorized Understanding of Family Life and Social Capital**, Melbourne, Australian Institute of Family Studies.
 - Woolcock, M. (1998), **Social Capital and Economic Development: Towards a Theoretical Synthesis and Policy Framework**, Theory and Society, 27.
 - Woolcock, M. (2001), **The Place of Social Capital in Understanding Social and Economic Outcomes**, ISUMA Canadian Journal of Policy Research, 2(1).
 - Woolcock, M. & Narayan, D. (2000), **Social Capital: Implications for Development Theory, Research and Policy**, The World Bank Research Observer, 15(2).